



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 4. Winter 2024

Received date: 2024.03.08

Acceptance date: 2024.05.08



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Mechanisms linking Saudi Arabia and the UAE with the Global Capitalist System

Farshid Tavangar¹, Reza Najafzadeh²



Abstract

Undoubtedly, dealing with the phenomenon of capitalist crisis in the Persian Gulf can be interesting. Based on this, between 2010-2023, capitalism and its mechanisms such as marketing and adapting to the free market, attracting foreign investment, respecting private property, the presence of multinational companies, creating the class structure of capitalism, and the use of capitalist power technologies have shown themselves. And it reaches its peak, especially in Saudi Arabia and the United Arab Emirates. Therefore, the research question is, how have the capitalist mechanisms in the Persian Gulf, centered on Saudi Arabia and the UAE, been formed from 2010 to 2023 about the great global capitalist system? In response, the research findings show that Saudi Arabia and the UAE have aligned themselves with the global capitalist system by using the political economy mechanisms mentioned above. But the capitalism formed in these two countries, in its fundamental difference from the capitalism of the world system, has become crony capitalism, which has caused this research to recognize the Persian Gulf capitalism as a structural crisis. And finally, the method of this research to achieve the above findings is descriptive-analytical and the method of data collection is documentary-library.

Keywords: Saudi Arabia, United Arab Emirates, Capitalist Mechanism of the Persian Gulf.

1 - Master's degree in Middle East and North Africa, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2 - Assistant Professor, Department of Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی (۱۱۴)، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

ساز و کارهای پیوند عربستان سعودی و امارات با نظام جهانی سرمایه‌داری^۱

فرشید توانگر^۲، رضا نجف‌زاده^۳



چکیده

بی‌تردید پرداختن به پدیده ظهور بحران سرمایه‌داری در خلیج فارس می‌تواند جالب توجه باشد. بر این اساس بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۳ سرمایه‌داری و ساز و کارهای آن، همچون بازاریابی و تبعیت از بازار آزاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، احترام به مالکیت خصوصی، حضور شرکت‌های چند ملیتی، ایجاد ساختار طبقاتی سرمایه‌داری و استفاده از تکنولوژی‌های قدرت سرمایه‌داران خود را نشان می‌دهد و به‌خصوص در عربستان و امارات متحده عربی به اوج می‌رسد. لذا سؤال پژوهش آن است که ساز و کارهای سرمایه‌داری در خلیج فارس، با تمرکز بر عربستان و امارات متحده عربی، از ۲۰۱۰-۲۰۲۳ چگونه در اتصال به نظام بزرگ سرمایه‌داری جهانی شکل گرفته است؟ در پاسخ، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عربستان و امارات با استفاده از ساز و کارهای اقتصاد سیاسی که در بالا ذکر شدند خود را با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق کرده‌اند؛ اما سرمایه‌داری شکل گرفته در این دو کشور، در تفاوت اساسی خود با سرمایه‌داری نظام جهانی، تبدیل به سرمایه‌داری رفاقتی شده که این امر باعث تلقی این تحقیق از سرمایه‌داری در خلیج فارس با عنوان بحران ساختاری است؛ در آخر روش این پژوهش در رسیدن به یافته‌های فوق‌الذکر توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه جمع‌آوری داده‌ها اسنادی-کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ساز و کار سرمایه‌داری خلیج فارس.

۱ - مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجوی با عنوان «سرمایه‌داری خلیج فارس: مطالعه موردی امکان‌ها و بحران‌های آن در عربستان و امارات متحده عربی» می‌باشد.

۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد خاورمیانه-شمال آفریقا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. Farshid.tavangar@yahoo.com

۳ - (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. r_najafzadeh@sbu.ac.ir

مقدمه

بی تردید پرداختن به پدیده ظهور و بروز بحران ساختاری سرمایه‌داری در خلیج فارس می‌تواند جالب توجه باشد؛ بر این اساس سرمایه‌داری در برخی از کشورهای خلیج فارس به مصداق عربستان سعودی و امارات متحده عربی شکل جدیدی به خود گرفته تا جایی که برخی از پژوهشگران مانند آدم هنیه در کتاب «سرمایه‌داری و طبقه در خلیج فارس» از این قالب جدید تحت عنوان سرمایه‌داری خلیجی یاد می‌کنند. سرمایه‌داری خلیجی که پژوهش حال حاضر از آن با عنوان «سرمایه‌داری خلیج فارس» یاد می‌کند، بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۳ در کشورهای عربستان و امارات متحده عربی به اوج خود رسیده است. لذا ساز و کارهای سرمایه‌داران اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس وجود دارند که اقتدارگرایی سلطانی در دو کشور مذکور از آنان کمک گرفته است تا ضمن منطبق‌سازی و پیوند خویش با نظام جهانی سرمایه‌داری به وضعیت سرمایه‌داری خلیج فارس مبدل گردند. بر این اساس پیشه اصلی پژوهش حال حاضر آن است که به تحلیل ساز و کارهای سرمایه‌داری در عربستان و امارات متحده که آنان را به سرمایه‌داری خلیج فارس تبدیل کرده، بپردازد. بر طبق تعریفی که آدم هنیه از «سرمایه‌داری در خلیج فارس» ارائه می‌دهد، مفهوم مذکور دارای شاخصه‌هایی است که منظور پژوهش حال حاضر از به کارگیری واژه سرمایه‌داری در خلیج فارس را روشن می‌سازد؛ اولین شاخصه به وجود طبقه سرمایه‌داری در کشورهای سرمایه‌داری خلیج فارس مخصوصاً عربستان و امارات که به وجود آورنده ساختار طبقاتی ویژه‌ای در کشورهای مذکور بوده است که این ساختار طبقاتی ضمن انباشت سرمایه و تولید ارزش افزوده از طریق انتقال فناوری به کشورشان، کشور خود را با بلوک جهانی سرمایه‌داری پیوند می‌دهند، اشاره می‌کند. به این ترتیب دومین شاخصه کشورهای «سرمایه‌داری خلیج فارس» از دید هنیه بین‌المللی شدن سرمایه درون آنان است و در سومین شاخصه که می‌توان برای کشورهای سرمایه‌داری خلیج فارس به مصداق عربستان و امارات نام برد، به بین‌المللی شدن امور مالی کشورهای مذکور توسط شرکت‌های چند ملیتی درونشان اشاره می‌شود. چهارمین شاخصه کشورهای «سرمایه‌داری خلیج فارس» به مثابه امارات متحده و عربستان، وجود عناصر هیدروکربنی همچون نفت درون آنان است که کشورهای نام‌برده را به بلوک جهانی سرمایه‌داری متصل ساخته است (Hanieh, 2011: 17-19-21-23).

اینک که منظور پژوهش حال حاضر از به کارگیری مفهوم کشورهای سرمایه‌داری خلیج فارس روش شد باید گفته شود که هدف عربستان سعودی و امارات متحده عربی از برقراری پیوند با کشورهای نظام جهانی سرمایه‌داری و تبدیل شدن به کشورهای سرمایه‌داری در خلیج فارس از طریق به کار بستن

ساز و کارهای اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس که در ادامه نیز ساز و کارهای مذکور در پژوهش حال حاضر مورد تحلیل قرار می‌گیرند، رساندن خویش به توسعه بوده است. بنابراین با عطف نظر به مباحث مطرح شده می‌توان اینچنین تصریح نمود که هدف اصلی پژوهش حال حاضر، توصیف و تحلیل ساز و کارهایی اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس هست که از ۲۰۱۰-۲۰۲۳ ضمن اتصال عربستان سعودی و امارات متحده عربی به نظام جهانی سرمایه‌داری باعث شده‌اند تا دو کشور مذکور وضعیت سرمایه‌داری در خلیج فارس پیدا کنند. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش آن است که ساز و کارهای سرمایه‌داری در خلیج فارس، با تمرکز بر عربستان و امارات متحده عربی، از ۲۰۱۰-۲۰۲۳ چگونه در اتصال به نظام بزرگ سرمایه‌داری جهانی شکل گرفته است؟ لذا فرضیه‌ای که پژوهش در پاسخ به پرسش فوق‌الذکر مطرح کرده است نیز به این مهم اشاره دارد که بین اقتدارگرایی سلطانی در امارات و عربستان و کمک گرفتن آن از پنج ساز و کار بازاریابی و تبعیت از بازار آزاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، احترام به مالکیت خصوصی در کنار اقتدارگرایی، حضور شرکت‌های چند ملیتی، ایجاد ساختار طبقاتی سرمایه‌داری و استفاده از تکنولوژی‌های قدرت به‌عنوان ساز و کارهای اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس، در پیوند کشورهای مذکور با نظام جهانی سرمایه‌داری و تبدیل آنان به سرمایه‌داری در خلیج فارس رابطه مثبت وجود دارد.

ادبیات پژوهش

در رابطه با پیدایش بحران‌های مختلف در خلیج فارس-خاورمیانه ادبیات زیادی در زبان انگلیسی و فارسی به رشته تحریر درآمده است. اینک در زیر به چند نمونه از ادبیات مذکور اشاره کرده و وجوه تمایز آنان با پژوهش حال حاضر بیان خواهد شد. نجف‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله خویش که با عنوان «شبکه رزمی بحران در خاورمیانه و عقلانیت‌های سه‌گانه» منتشر ساخته، ضمن تشریح این موضوع که بحران‌های خاورمیانه خاصیت رزمیک و به هم پیوسته دارند به بحران سرمایه‌داری خلیجی در عربستان نیز اشاره دارد و یک خصیصه اصلی کشورهای سرمایه‌داری در خلیج فارس همچون عربستان را به وجود آمدن ساختار طبقاتی سرمایه‌داری درون آنان و همچنین اتصال آنان به بلوک جهانی سرمایه‌داری می‌داند. هنیه^۱ (۲۰۱۱) نیز در کتابی با عنوان «سرمایه‌داری و طبقه در میان دولت‌های خلیج فارس» مسئله پدیدار گشتن بحران سرمایه‌داری خلیجی را با تمرکز بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

1 - Adam Hanieh

2 - Capitalism and Class in the Gulf Arab States, Palgrave Macmillan US, 2011

با اتکا به دیدگاه مارکسیسم بررسی کرده و با استفاده از دیدگاه مذکور برای کشورهای سرمایه‌داری خلیج فارس به مصداق عربستان و امارات خصیصه انباشت سرمایه به وسیله ساختار طبقاتی حاکم بر کشورهای نامبرده قائل است. احمدی (۱۳۷۷) در کتابی تحت عنوان «ریشه بحران در خاورمیانه» علت بحرانی بودن خاورمیانه را نفوذ قدرت‌های خارجی می‌داند. میلتن ادواردز^۱ (۱۳۹۹) در اثری به نام «سیاست و حکومت در خاورمیانه» نیز معتقد است که تک محصولی بودن خاورمیانه سبب ایجاد بحران‌های مختلف در خاورمیانه بوده است. سردارنیا (۱۳۹۹) در مقاله «خسونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت-ملت‌سازی» خاورمیانه را از دهه ۱۹۹۰ به بعد درگیر دو بحران دولت-ملت‌سازی و بحران هویت توصیف می‌کند. میلان (۱۳۹۶)، خاورمیانه را منطقه آشوب، ناامنی، بی‌ثباتی و بحران توصیف می‌کند و یمن، لبنان و مصر را به‌عنوان مصداق‌های سه منطقه آشوب و بحران در خاورمیانه ذکر می‌کند. وی زمانی که به منشأ و ریشه این بحران‌ها در خاورمیانه نگاه می‌کند بیش از اینکه برایشان اصالت درونی قائل شود، معتقد است که سرچشمه این آشفتگی‌ها را باید در خارج از خاورمیانه جستجو کرد و برایشان جنبه بیرونی قائل شد. روحی دهبه (۱۳۹۶)، خاورمیانه را پس از تحولات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر و دچار بحران می‌بیند. در سطح داخلی، نویسنده ضعف دولت-ملت‌سازی و ساختار استعماری، ساختار غیر دموکراتیک دولت‌های خاورمیانه و نبود ایدئولوژی آن و فراگیر که منافع تمامی گروه‌ها را در بر بگیرد را دلیل بحران می‌بیند. در سطح تحلیل منطقه‌ای نویسنده، پیدایش گروه‌های تروریستی القاعده، داعش و العرام در سوریه و عراق، رقابت‌های منطقه‌ای ایران، عربستان و ترکیه در منطقه را عامل بحران در منا بعد از تحولات بهار عربی توصیف می‌کند. کو مار اسوامی (۲۰۰۶)، خاورمیانه را بعد از فروپاشی عثمانی درگیر بحران هویت می‌بیند. گوراک سوسنو فسکا و کاترینا (۲۰۲۰)، همه‌گیری ویروس کرونا را دلیل بحران‌های خاورمیانه می‌دانند.

اینک می‌توان اینچنین توضیح داد که عامل متمایزکننده پژوهش پیش رو با سایر پژوهش‌هایی که در رابطه با بحران در خاورمیانه-خلیج فارس به نگارش درآمده‌اند آن است که در اکثر پژوهش‌ها خلأ پرداختن به بحران سرمایه‌داری در خلیج فارس با تمرکز بر امارات متحده و عربستان سعودی به دلیل نو و جدید بودن آن دیده می‌شود؛ این در حالی است که در اندک ادبیاتی هم که به بررسی بحران

سرمایه‌داری در خلیج فارس-خاورمیانه پرداخته شده شیوه واکاوی بحران مذکور با اتکا به دیدگاه‌هایی نظیر مارکسیسم صورت پذیرفته است. حال آنکه شیوه تبیین پژوهش پیش رو از پیدایش بحران سرمایه‌داری در دو کشور عربستان و امارات که به این دو کشور وضعیت سرمایه‌داری در خلیج فارس اعطا کرده، با نگاهی انتقادی به ساز و کارهای اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس امکان‌پذیر گشته است؛ و این مهم عاملی است که سبب تفاوت و تمایز پژوهش پیش رو با سایر ادبیات در حوزه بحران گشته است.

چارچوب نظری پژوهش: اقتصاد-سیاسی انتقادی

درباره ساز و کارهای اقتصاد-سیاسی که حالت سرمایه‌داری را در عربستان و امارات شکل داده‌اند می‌توان از نظر میل‌تون فریدمن بهره برد؛ او طرفدار کسب سود بیشتر است و رسیدن به این هدف را با استفاده از ساز و کارهای اقتصاد-سیاسی همچون بازاریابی و تبعیت از بازار آزاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، احترام به مالکیت خصوصی، حضور شرکت‌های چند ملیتی امکان‌پذیر می‌داند (Ferrero, 2014: 2-4-5)؛ این وضعیت در عربستان و امارات متحده قابل مشاهده است.

اقتصاد-سیاسی از منظر مکتب انتقادی روابط بین‌الملل می‌تواند بحث از به وجود آمدن گفتمان‌های جدید پسا غربی و حتی پسا بلوک جهانی سرمایه‌داری داشته باشد (Shani, 2008: 722)، یا می‌تواند سخن از نقد داخلی یک قالب داشته باشد به عبارت بهتر چارچوبی را بشکند و چارچوبی نو رسم کند. اقتصاد-سیاسی انتقادی به مانند چیزی که هافمن و اندرو لینک لیتر^۱ به آن اشاره دارند، می‌تواند به دنبال تغییر باشد اما این تغییر باید در جهتی معین صورت پذیرد زیرا به نظر لینک لیتر ثبات و اثبات‌گرایی در یک قالب گفتمانی همچون سرمایه‌داری اشاعه یافته از سمت نظام جهانی سرمایه‌داری ممکن است وجود نداشته باشد و به تبع آن از نظر وی ساختارهای گفتمان نامبرده می‌تواند تغییر کند. هابرماس^۲ رهایی‌بخشی را نیز به اصول مکتب انتقادی اضافه می‌کند اما به طور خاص نئوگراشینی‌ها در مورد فرایندهای انتقادی اقتصاد-سیاسی در جهان و در روابط بین‌الملل از گفتمان‌های مسلط همچون سرمایه‌داری انتقاد کردند. برداشت سوزان استرنج^۳ در اقتصاد-سیاسی انتقادی اینچنین است که رابرت کاکس^۴ به‌عنوان یک نظریه‌پرداز انتقادی روابط بین‌الملل، تصویری مکانیکی و ساختاری از اقتصاد-

1 - Hutman and Andrew Linklater

2 - Habermas

3 - Susan Strange

4 - Robert Cox

سیاسی جهانی ارائه می‌دهد این در حالی است که از نظر استرنج، باید به سمت برداشت‌های احتمالی دیگر در اقتصاد-سیاسی جهانی نیز رفت (Rengger & Thirkell, 2007: 6-18)؛ می‌توان گفت که تعریف میشل فوکو^۱ از اقتصاد-سیاسی انتقادی، در کتاب «تولد زیست-سیاست» تعریف دقیقی است؛ وی در این کتاب اقتصاد-سیاسی انتقادی و امور مربوط به آن را متناظر با مصلحت دولت تعریف می‌کند؛ در واقع می‌توان اینچنین گفت که از نظر او دولت‌ها بنا به مصلحت خود نوعی انضباط را در نظام سرمایه‌داری حاکم می‌سازند (فوکو، ۱۳۸۹: ۱۵) که می‌تواند نقش بازار آزاد و دیگر فرایند منتهی به آن را در اقتصاد-سیاسی جدید نادیده بگیرد.

بر این اساس در خلیج فارس به‌خصوص عربستان و امارات متحده عربی بیش از پیش می‌توان در فرایند اشاعه اقتصاد-سیاسی مبتنی بر اصول سرمایه‌داری، مصلحت دولت را مشاهده کرد. در این خصوص اسحاق دیوان^۲ و همکارانش معتقد هستند که در خلیج فارس فرایند شیوع اصول سرمایه‌داری همچون تبعیت از بازار آزاد، خصوصی‌سازی شرکت‌ها، حضور شرکت‌های چند ملیتی و احترام به مالکیت خصوصی چون در دست دولت‌ها باقی‌مانده‌اند منجر به ایجاد سرمایه‌داری رفاقتی شده‌اند (Silcock, 2020: 169-170-171-172-174)؛ درست در اینجا است که می‌توان گفت: این عامل مهم سبب نگاه این تحقیق به سرمایه‌داری موجود در خلیج فارس خصوصاً در امارات و عربستان به مثابه بحران شده است.

بحث و یافته‌های پژوهش

تبیین ساز و کارهای پنج‌گانه اقتصاد-سیاسی در عربستان و امارات متحده عربی

در این قسمت قصد بر آن است تا ساز و کارهای پنج‌گانه اقتصاد-سیاسی که عربستان سعودی و امارات متحده عربی را با نظام جهانی سرمایه‌داری پیوند داده و از سوی دیگر منجر به تبدیل وضعیت این دو کشور به سرمایه‌داری خلیج فارس شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

بازاریابی و تبعیت از سیاست بازار آزاد

اولین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس که عربستان سعودی با تبعیت کردن از آن خود را در مدار پیوند با نظام جهانی سرمایه‌داری قرار داده و با کمک آن توانسته شکل سرمایه‌داری در خلیج فارس به خود گیرد، بازاریابی و تبعیت از سیاست بازار آزاد است. نخستین حقیقت مهمی که نشان‌دهنده

1 - Michel Foucault

2 - Ishaq Divan

فعالیت سعودی، بر اساس سیاست بازار آزاد هست؛ در واقع عضویت کشور مذکور در تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۰۵ در سازمان جهانی تجارت است (www.wto.org). اقدام دیگری که نشان‌دهنده فعالیت سعودی در چارچوب بازار آزاد است، پذیرش توافقنامه تجارت منطقه‌ای از سوی کشور مذکور در خلیج فارس می‌باشد؛ کشورهای عضو این پیمان باید در سطح منطقه‌ای میان خویش قواعد مربوط به آزادسازی‌ها در زمینه‌های مختلف از قبیل سیاست‌های رقابتی، حفاظت از حقوق دارایی‌های فکری، تجارت الکترونیک، حل و فصل منازعات، استانداردهای نیروی کار، عمل در راستای بهبود سیاست‌های زیست محیطی و همکاری‌های فنی و مکانیسم‌های سازمانی را رعایت کنند (Ghulam, 2012: 24). گفتی است که بر اساس آمارهای منتشر شده در سایت هریتیج، سعودی‌ها از منظر آزادسازی‌های اقتصادی و تبعیت از سیاست بازار آزاد در سال ۲۰۲۳ در میان ۱۴ کشور خاورمیانه‌ای در رتبه ۸ قرار دارند و این یعنی ۲,۸ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ در تبعیت از سیاست بازار آزاد و انجام آزادسازی‌های اقتصادی بالاتر ایستاده‌اند (www.heritage.org). در ادامه تلاش‌های عربستان سعودی به منظور تبعیت از بازار آزاد نیز باید تصریح نمود که سعودی در بخش بهداشت روی به خصوصی‌سازی و تبعیت از بازار آزاد آورده که این مهم منجر به رضایت ۷۷ درصد بیماران شده است (Rahman & Salam, 2021: 4-6). همچنین اتحادیه اروپا نیز تا ۶,۵ درصد تعرفه‌های صنعت پتروشیمی را در راستای تبعیت از سیاست بازار آزاد، میان خویش و عربستان پایین آورده است (Xu, 2022: 143). به تبع همه گزاره‌هایی که در بالا نقل شدند این مهم را تأیید می‌کنند که سعودی با تبعیت کردن از بازار آزاد، اولین ساز و کار سرمایه‌داری در خلیج فارس در صدد است با نظام جهانی سرمایه‌داری خود را منطبق کرده و از این رهگذر به سمت سرمایه‌داری در خلیج فارس پیش رود. در خصوص تبعیت امارات از بازار آزاد نیز می‌توان گفت: از جمله فعالیت‌هایی که امارات متحده عربی با استفاده از آن از بازار آزاد تبعیت می‌کند گسترش مناطق آزاد درون خود است؛ در این رابطه گفتنی است که کشور مذکور در کل ۴۰ منطقه آزاد درون خود دارد که در نتیجه مقررات‌زدایی در این مناطق تعداد ۱۰۰ بانک خارجی جذب امارات شدند که این عامل در سال ۲۰۱۰، ۱۷۹,۸ میلیارد دلار نصیب کشور نامبرده کرد. گسترش مناطق آزاد درون امارات باعث شد تا ضمن تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور نامبرده، ۸۰ درصد صادرات آن از این مناطق صورت گیرد (Shayah & Qifeng, 2015: 287-290)؛ و اما ساز و کار بعدی که نشان‌دهنده تبعیت

1 - WTO

2 - RTA

امارت از بازار آزاد هست، مقابله با فساد و آزادی اقتصادی می‌باشد؛ در این خصوص باید بیان نمود که به دلیل اینکه امارات متحده اینک مرکز بزرگ تجاری و اقتصادی است، بنابراین فساد گسترده‌ای در زمینه‌های پولشویی، کلاهبرداری و جرائم سایبری آن را تهدید می‌کند. همچنان که کشور مذکور در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۷ مورد حمله سایبری واقع شد که می‌توانستند زمینه فساد در اقتصاد را فراهم سازند لذا امارات در زمینه مقابله با رخداد اینچنین فسادهایی در حوزه اقتصادی و آزادسازی هر چه بیشتر اقتصاد خود قوانینی همچون زندانی نمودن وضع کرده است؛ همچنین برای مقابله با این جرائم امارات سازمان امنیت استراتژی ملی را بنا نهاده است (Younies & Na'el Al-Tawil, 2020: 1089-1095). موسسه فریزر بر این باور است که از سال ۲۰۰۰ به بعد امارات متحده عربی در زمره آزادترین کشور از نظر اقتصادی بوده است (Facchini et al, 2021: 2-12). نکته جالب توجه دیگر که تبعیت امارات متحده از بازار آزاد را ثابت می‌کند آن است که کشور نامبرده شرکت‌های تازه تأسیسی را که جذب امارات شده‌اند را از مالیات معاف کرده و حتی دخالت کمی در امور آنان از خود اعمال می‌کند (Abdulla, 2017: 5-6)؛ در آخر اینچنین باید گفت که امارات متحده در راستای تبعیت از بازار آزاد رو به متنوع‌سازی اقتصادی یکی از اصول مهم سرمایه‌داری آورده و در این خصوص بخش گردشگری خود را فعال ساخته است؛ این امر تا ۳۵ درصد کاهش وابستگی کشور مذکور به نفت را به همراه داشته است (Hammad et al, 2017: 448-451). همچنین به منظور پویاتر ساختن بخش گردشگری امارات متحده فیلم‌ها و جشنواره‌هایی در این زمینه برگزار می‌کند (Saber et al, 2018: 48-54-52). پس در یک کلام داده‌های بالا به خواننده ثابت می‌کند که امارات متحده در چارچوب بازار آزاد فعالیت دارد و تبعیت از بازار آزاد ساز و کاری است که در خلیج فارس کشور مذکور را با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق ساخته و پیوند داده که این مهم در تقویت بعد سرمایه‌داری امارات مؤثر بوده است.

کار، سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

دومین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس که عربستان سعودی با استفاده از آن به نظام جهانی سرمایه‌داری پیوند خورده و از این رهگذر به سمت سرمایه‌داری در خلیج فارس حرکت کرده، جذب سرمایه‌گذاری خارجی هست. در این خصوص باید گفت که قانون حمایت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مذکور در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید که به موجب آن بخش‌های گردشگری، آموزش و پرورش و تربیت نیروی کار در سعودی بخش‌هایی هستند که انگیزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در آنان موجود است (Rice, 2004: 59). باید ادامه داد که در اکتبر ۲۰۲۲ سعودی قانون دیگری

در جهت جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در خود تحت عنوان چشم‌انداز ۲۰۳۰ تصویب کرده که بر طبق آن سعودی قرار است به مرکز بزرگ اقتصادی به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی در خاورمیانه بدل شود اما همه‌گیری ویروس کرونا باعث شده تا فرایند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم از سوی عربستان با کاهش ۱,۵ درصدی همراه شود. قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی که شرح آن آمد به این صورت باعث ایجاد فضای مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در عربستان گشته که اولاً، همه استانداردهای بهداشتی، زیست محیطی، ایمنی و اجتماعی در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مکلف به رعایت کرده است؛ دوماً، کابینه سعودی نیز در راستای اجرایی شدن قانون مذکور که بالا شرح آن آمد، سازمان حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی عربستان را تأسیس کرد. سوماً ولیعهد محمد بن سلمان نیز در جهت اجرایی شدن قانون حمایت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در عربستان که در اکتبر ۲۰۲۲ تصویب شد، استراتژی تحت عنوان «استراتژی سرمایه‌گذاری ملی» را برنامه‌ریزی کرده که به موجب این استراتژی سعودی قصد دارد به سمت تنوع اقتصادی که یک اصل سرمایه‌داری هست، حرکت کند (Al-Qahtan & Albakjaji, 2023: 2-3-4-6-7). همچنین عربستان علاوه بر تصویب قانون حمایت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی درون خود، اقدامات دیگری نیز در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی صورت داده از جمله این اقدامات پویا کردن بخش خصوصی درون خویش و همچنین توجه به اقتصاد سبز بوده است (Elimam, 2017: 223-224). به تبع انجام این کنش‌ها از سوی سعودی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایالات متحده و چین به عنوان دو عضو نظام جهانی سرمایه‌داری را برای کشور عربستان به ارمغان آورده است. در این خصوص باید گفت که از جمله علاقه‌مندی‌های ایالات متحده برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سعودی، سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و کمک به پویا کردن آن است. کاهش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه در بازه زمانی کنونی و یافتن نفوذ و کنترل به این طریق در منطقه مذکور می‌تواند دلیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در سعودی باشد (Hardman, 2022: 1-2)؛ اما علاوه بر ایالات متحده که شرح آن در بالا آمد، عربستان از چین هم به عنوان عضو دیگر نظام جهانی سرمایه‌داری، سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده است. دلیل توجه چین به عربستان به منظور انجام سرمایه‌گذاری خارجی مشارکت دادن کشور مذکور در طرح «کمربند-جاده» است طرح کمربند-جاده^۱ را نیز از این

منظر می‌توان با رویکرد اقتصاد-سیاسی نگریست که طرح نامبرده تمامی دولت‌ها را که دارای کار ویژه سیاسی هستند را به همراه بازارها که یک مؤلفه اقتصاد سیاسی هست، در سراسر اوراسیا و منطقه اقیانوس هند به هم متصل می‌کند (Fulton, 2020: 1-5)؛ اما در مورد امارات متحده نیز می‌توان اینچنین توضیح داد که کشور مذکور نیز مشوق‌هایی از جمله خدمات شهری و خدمات زمین، یارانه سنگین، معافیت مالیاتی، شرکت‌های سرمایه‌گذار به مدت ۱۵ سال، معافیت مالیات بر درآمد شخصی، مالکیت کامل خارجی، بازگرداندن کامل سرمایه و سود بدون محدودیت ارزی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هر چه بیشتر شرکت‌های چند ملیتی در نظر گرفته است؛ به‌علاوه مسائلی نظیر نزدیکی به بازارهای بزرگ کشورهای خاورمیانه آفریقا، داشتن منابع انرژی ارزان، پایگاه تثبیت شده بازرگانی، تبعیت اقتصاد و تجارت خارجی از اصل بازار آزاد، ایجاد منطقه آزاد جبل علی^۱ به‌عنوان قطب صنعتی به منظور صادرات (Farzin, 1993: 511-512)، امارات متحده را به مقصد مناسب جذب سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل کرده است. همچنین انتخاب شدن کشور نامبرده به‌عنوان میزبان کنفرانس آب و هوایی ۲۰۲۳ سازمان ملل می‌تواند توجه هر چه بیشتر کشورهای عضو نظام جهانی سرمایه‌داری را به امارات به منظور انجام سرمایه‌گذاری خارجی جلب کند (www.theguardian.com)؛ همچنین در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی اقدام مؤثری که کشور مذکور انجام داده، احداث صندوق سرمایه‌گذاری دولتی است که سرمایه‌گذاری‌هایی را که در داخل و خارج امارات متحده شده را مدیریت می‌کند (Nyarko, 2010: 4-6). در ادامه امارات متحده به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چشم‌انداز ۲۰۲۱ خود رو به بنا نهادن اقتصاد سبز آورده و از ژانویه ۲۰۱۲ به بعد برای نیل به این هدف ۸۴۰ میلیون دلار در بیش از ۳۰ کشور در حوزه انرژی‌های پاک سرمایه‌گذاری کرده است (Krzymowski, 2017-2016-2013-2012: 2020). حال باید تصریح کرد که امارات متحده عربی از طریق انتقال فناوری از آمریکای شمالی (Modarress et al, 2014: 108-112-113) از چین به دلیل علاقه‌مندی این کشور به منظور مشارکت دادن امارات در طرح «کمربند-جاده» (Sim & Fulton, 2021: 8-10) و در آخر از روسیه به طریق سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه دفاعی (Ibid: 12). به‌عنوان سه عضو نظام جهانی سرمایه‌داری، توانایی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دارد. پس داده‌ها نشان می‌دهند که جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز به‌عنوان دومین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس، امارات متحده و

عربستان سعودی را با کشورهای عضو نظام جهانی سرمایه‌داری پیوند داده و از طریق این اتصال وضعیت سرمایه‌داری را در آنان موجب شده است.

احترام به مالکیت خصوصی

سومین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس که عربستان سعودی به وسیله آن خود را با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق کرده، احترام به مالکیت خصوصی است. اما حقیقت آن است که به مالکیت خصوصی شهروندان عربستان، در قالب اراده حاکمان سعودی احترام گذاشته می‌شود؛ به عبارت بهتر اگر حاکمان سعودی بخواهند به مالکیت خصوصی شهروندان احترام گذاشته می‌شود و اگر نخواهند احترام گذاشته نمی‌شود (Gray et al, 2015: 369-370). لذا در عربستان بر اساس آمار منتشر شده در سایت هریتیج، دولت سعودی تا ۴۷ درصد به حق داشتن مالکیت برای شهروندان در عرصه‌های عمومی و خصوصی احترام می‌گذارد (www.heritage.org). در خصوص امارات متحده عربی نیز باید تصریح کرد که احترام به مالکیت خصوصی شهروندان معلول ساختار طبقاتی شیوخ حاکم بر کشور مذکور بوده که به آن حالت فدرالی داده است. در نظام فدرالی امارات به دلیل اینکه بخش محلی از مرکز مشتق شده است بنابراین از این رهگذر امتیازاتی که تضمین‌کننده احترام به مالکیت خصوصی شهروندان هست، به آنان اعطا می‌گردد. لذا اصول ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲ قانون اساسی امارات در زمینه احترام به مالکیت خصوصی شهروندان، فرصت‌هایی در زمینه اقتصادی به آنان اعطا می‌کند. همچنین اصل ۲۵ قانون اساسی امارات به آزادی اقلیت‌ها در برابر قانون تأکید دارد. در خصوص حفظ کرامت انسانی در قانون اساسی کشور مذکور آمده که نباید بدون اجازه به منزل اشخاص که جز مالکیت خصوصی آنان است وارد شد (قره‌باغی و کاوه پیش‌قدم، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۶). در ادامه در خصوص احترام به حریم خصوصی شهروندان اماراتی که جزء مالکیت خصوصی شهروندان هست، می‌توان به اصول روزنامه‌نگاری در کشور مذکور اشاره داشت که در این زمینه خبرنگاران از انتشار خبری بدون رضایت شهروندان منع شده‌اند (Richter & Kozman, 2021: 116-118).

حضور شرکت‌های چند ملیتی

چهارمین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس که سعودی به واسطه آن خود را با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق کرده، حضور شرکت‌های چند ملیتی درون کشور مذکور برای رساندن آن به توسعه است (Menz & Soederberg, 2006: 14-15) زیرا کار ویژه اصلی شرکت‌های چند ملیتی درون

سعودی آن است که منابع قدرت داخلی را با بازاریابی بین‌المللی مرتبط می‌کند (Ghoshal & Bartlett, 1990: 603). بر این اساس در عربستان می‌توان شرکت چند ملیتی آرام کو را به‌عنوان مصداق ذکر کرد که منابع توزیع قدرت داخلی را با بازارهای بین‌المللی پیوند داده و اینچنین سبب اتصال و منطبق‌سازی سعودی با نظام جهانی سرمایه‌داری شده است. اینچنین که اکنون آرام کو با صورت دادن چندین اقدام که ذکر آنان خواهد آمد، زیست عربستان را تبدیل به زیستی منطبق بر نظام سرمایه‌داری جهانی نموده است؛ به این طریق که آرام کو تبدیل به بخش خصوصی در سعودی گشته زیرا توسط یک کمیته مستقل تجاری اداره می‌شود و همچنین شرکت‌های تابع خصوصی در اختیار خود دارد. علاوه بر این مسئله آرام کو همچون آنچه در کشورهای سرمایه‌داری نظام جهانی قابل مشاهده است، بخش صنعتی عربستان را در ابعاد گوناگون صنعت نفت، آموزش نیروی کار، صنعت تولید برق و صنعت نمک‌زدایی آب فعال نموده است، در زمینه‌های مذکور کار کرده و ارزش اضافی تولید می‌کند (Jaffe & Ellass, 2007: 2-4). بنابراین داده‌هایی که در بالا راجع به حضور شرکت‌های چند ملیتی در عربستان آمد، نشان می‌دهند که چطور فعالیت یک شرکت چند ملیتی در سعودی کشور نامبرده را با زمینه‌سازی یک زیست سرمایه‌داری در پویایی بخش خصوصی و صنعتی با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق ساخته و در خلیج فارس به سمت نظام سرمایه‌داری پیش برده است؛ اما در خصوص فعالیت شرکت‌های چند ملیتی در امارات باید گفت که بر اساس آمارهای داده شده از سوی بانک جهانی، بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۰، ۷۶۷ شرکت چند ملیتی در امارات متحده فعالیت داشته‌اند (data.worldbank.org) که فعالیت این شرکت‌ها در امارات متحده عربی نیز موجب اتصال و انطباق آن با نظام جهانی سرمایه‌داری شده است.

ساختار طبقاتی سرمایه‌داری

منظور از ساختار طبقاتی سرمایه‌داری در عربستان همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، به وجود آمدن طبقه سرمایه‌دار در کشور نامبرده هست که طبقه مذکور با کمک انتقال فناوری که از نظام جهانی سرمایه‌داری انجام می‌دهد هم سبب انباشت سرمایه و تولید ارزش افزوده می‌شود و هم با انجام این عمل سعودی را با نظام جهانی سرمایه‌داری پیوند داده و آن را تبدیل به کشور سرمایه‌داری در خلیج فارس می‌کنند (Hanieh, 2011: 17-19-21-23). با این تفاسیر می‌توان اینچنین تبیین نمود که ساختار طبقاتی سرمایه‌داری در سعودی که سبب پیوند کشور مذکور با نظام جهانی سرمایه‌داری شده و سعودی را تبدیل به سرمایه‌داری در خلیج فارس کرده را طبقه سرمایه‌دار آل سعود می‌سازد؛ با این توضیح که طبقه سرمایه‌دار آل سعود در راستای منطبق‌سازی خویش با نظام جهانی سرمایه‌داری، دست به اصلاحات

سرمایه‌داری زده‌اند تا از این رهگذر بتوانند جنبه سرمایه‌داران خود در خلیج فارس را شکوفا کنند. چند نمونه از اصلاحات مذکور به این قرار است: بن سلمان صندوق سرمایه‌گذاری عمومی را احداث کرده که کار ویژه اصلی آن سرمایه‌گذاری درآمدهای سعودی در سایر صنایع غیر نفتی عربستان هست؛ اقدام سرمایه‌داران دیگر طبقه سرمایه‌دار آل سعود تأسیس بازار سهام عربستان^۱ به دست محمد بن سلمان بود. وی به منظور منطبق‌سازی و پیوند هر چه بیشتر بازار بورس نامبرده با نظام جهانی سرمایه‌داری در ابتدای احداث بازار بورس عربستان، دارایی‌های آن را به ایالات متحده، یکی از اعضای نظام جهانی سرمایه‌داری انتقال داد و پس از مدتی دارایی‌ها را بازگرداند (هوپ و شک، ۱۳۹۹: ۳۶-۴۰-۴۱-۴۹-۷۱-۷۰-۶۱-۶۰). آنچه ساختار طبقاتی سرمایه‌داری در امارات را نیز موجب شده، طبقه سرمایه‌دار آل نهیان است که همچون کاری که طبقه سرمایه‌دار در عربستان انجام می‌دهد، از طریق انتقال فناوری از نظام جهانی سرمایه‌داری به کشور خویش سبب اتصال امارات با نظام جهانی سرمایه‌داری شده‌اند و از این طریق به وسیله انباشت سرمایه و مالکیت ابزار تولید نزد خود ارزش اضافی تولید کرده‌اند که موجب پدیدار شدن وضعیت سرمایه‌داری در امارات متحده گشته است (Hanieh, 2011: 2-3-7-12-14-17-19-55). اما ساختار طبقاتی سرمایه‌داری که مبتنی بر طبقه سرمایه‌دار هست، کشور امارات را به سمت ماتریالیسم^۲ هدایت نموده و به این وسیله رخدادی که در امارات به وقوع پیوسته که در راستای منطبق‌سازی هر چه بیشتر با نظام جهانی سرمایه‌داری نیز هست، رواج ساختار مصرفی مبتنی بر زندگی مصرف‌گرا، تجاری‌سازی هر چه بیشتر و افزایش ثروت بوده است (Arthur et al, 2020: 507-510). بنابراین داده‌ها در این قسمت نشان می‌دهند که ساختار طبقاتی سرمایه‌داری در امارات متحده و عربستان سعودی که بر اساس طبقه سرمایه‌دار استوار گشته، به‌عنوان پنجمین ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس ضمن پیوند امارات و عربستان با بلوک جهانی سرمایه‌داری، وضعیت سرمایه‌داری را در کشورهای مذکور موجب شده است.

تکنولوژی‌های قدرت عامل پیونددهنده لایه‌های اقتصاد-سیاسی جدید خلیج فارس

همه پنج لایه و ساز و کار اقتصاد-سیاسی انتقادی در خلیج فارس که تا به اینجا با تمرکز بر عربستان سعودی و امارات متحده عربی مورد توضیح و تحلیل واقع شدند در واقع می‌توان گفت که تحت عنوان تکنولوژی‌های قدرت سرمایه‌داران با هم پیوند می‌خورند که کار ویژه اصلی این تکنولوژی‌های قدرت

1 - Tadawul

2 - Materialism

سرمایه‌داران از دید فوکو برای عربستان و امارات به وجود آوردن نوعی کنترل، انضباط و شبانی (هیندس، ۱۴۰۲: ۱۳۰-۱۳۶) به سمت نظام جهانی سرمایه‌داری است که سبب ایجاد وضعیت سرمایه‌داری در سعودی و امارات گشته است (Audier, 2015: 404-407-408-4013-4015). با این وجود پژوهش حال حاضر، اکنون قصد دارد ابتدا هدایت و شبانی عربستان سعودی به سمت پیوند با نظام جهانی سرمایه‌داری در اثر پیدایش تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داری به نام اینترنت در سعودی را تبیین کند تا این قضیه روشن شود که اینترنت و رایانه به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داری در هدایت و شبانی سعودی به سمت سرمایه‌داری در خلیج فارس مؤثر بوده‌اند و سپس به تبیین تکنولوژی‌های جدید قدرت در امارات بپردازد. بر این اساس از سال ۱۹۹۳-۲۰۰۱ اینترنت و رایانه در عربستان به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داران، ابتدا عرصه آموزش را از حالت سنتی خود خارج کرده و آن را به صورت کاملاً مشابه نظام سرمایه‌داری، مدرن ساخته و آموزش الکترونیکی را به ارمغان می‌آورد. دانشگاه نفت و مواد معدنی ملک فهد در سال ۲۰۰۱ از جمله مراکز آموزشی بود که به تکنولوژی قدرت سرمایه‌داران نامبرده تجهیز گشت (Alshahrani, 2016: 19-20). همچنین تکنولوژی جدید قدرت مذکور امکان آموزش از راه دور را نیز به‌عنوان یکی دیگر از مصداق‌های مدرن‌سازی آموزش ایجاد کرده که با کمک آن حاکمان آل سعود می‌توانند جامعه خویش را به سمت الگوی زیست سرمایه‌داری جامعه‌پذیر و تحت سلطه بگیرند، همین امر باعث شد تا عربستان در سال ۲۰۱۱، ۴۰ میلیارد از بودجه خود را به آموزش از راه دور اختصاص دهد (Aljabre, 2012: 21-23-24-25-26). یکی از تحولات اینترنت به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داران در عربستان در راستای منطبق‌سازی کشور مذکور با نظام جهانی سرمایه‌داری، قرار دادن جامعه آفلاین عربستان در برابر ۵۵ درصد جامعه آنلاین سعودی هست. در اثر این مواجهه جامعه آفلاین عربستان که به دلیل ساختار قبیله‌ای و خانوادگی در کشور مذکور از تکنولوژی قدرت سرمایه‌داران همچون اینترنت دورافتاده بود، به تدریج در حال از دست دادن ارزش‌های سنتی و آشنایی با مظاهر جوامع سرمایه‌داری به مثابه رایانه و اینترنت است (Al-Saggaf, 2004: 1-2). بنابراین گزاره مطرح شده ثابت می‌کند که رایانه و اینترنت در کنار پنج ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس، به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داران در حال هدایت و شبانی عربستان به سمت پیوند با نظام جهانی سرمایه‌داری و تبدیل وضعیت عربستان به سرمایه‌داری در خلیج فارس هست. در رابطه با تکنولوژی‌های جدید قدرت سرمایه‌داری در امارات که ضمن پیوند این کشور با نظام جهانی سرمایه‌داری باعث تبدیل وضعیت آن به سرمایه‌داری در

خلیج فارس شده است، می‌توان از هوش مصنوعی یاد کرد. هوش مصنوعی به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داری، این گونه زیست-سیاست امارات را به یک زیست-سیاست سرمایه‌داران مبدل ساخته است که ابعاد مختلف زیست در امارات را با زیست سرمایه‌داران نظام جهانی منطبق کرده است. به طور مصداقی در وهله اول، هوش مصنوعی شرکت‌های داخلی و بین‌المللی در امارات را ملزم به پیروی از اقتصاد بازار آزاد یکی از اصول اساسی سرمایه‌داری کرده و اینچنین امارات را با نظام جهانی سرمایه‌داری منطبق ساخته، به این طریق که هوش مصنوعی امکان تقلب در معاملات و انجام معاملات غیر قانونی که مغایر با اصل اقتصاد بازار آزاد است توسط شرکت‌ها را پایین آورده است (Noordin et al, 2022: 1-2). در وهله دوم، هوش مصنوعی به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داران به‌خصوص با اوج‌گیری ویروس کرونا، عرصه بهداشت و درمان امارات را با مدرنیسم یکی از خصیصه‌های سرمایه‌داری روبه‌رو ساخت، اینچنین که برای تجویز دارو و مراقبت از بیماران از هوش مصنوعی کمک گرفته می‌شود (Abuzaid et al, 2022: 1109-1110). در وهله سوم، باید گفت که هوش مصنوعی عرصه عمومی امارات متحده را نیز تبدیل به حوزه‌ای مدرن، یکی از خصیصه‌های مهم سرمایه‌داری کرده، حال از جمله حوزه‌های به کارگیری هوش مصنوعی در عرصه عمومی امارات استفاده از تکنولوژی قدرت سرمایه‌داران مذکور در صنعت حمل و نقل است؛ آنچنان‌که اداره راه و ترابری دبی در ۹ اکتبر ۲۰۲۰ اعلام کرد که به منظور آسان‌سازی حمل و نقل عمومی هوش مصنوعی را در تاکسی‌های مسافربری مورد استفاده قرار داده که به کارگیری تکنولوژی نامبرده در تاکسی‌های مسافربری دبی منجر به پیدایش تاکسی‌های خودگردان گشته که نیازی به راننده ندارند (Shamout & Ali, 2021: 57-58). در وهله آخر باید اضافه کرد که هوش مصنوعی به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داران سفر به امارات را آسان ساخته، به این طریق که امروزه کشور نامبرده از این تکنولوژی همچون اسپانیا، آلمان، کره، کانادا، فرانسه، موناکو، ایتالیا، اتریش، لهستان و ایالات متحده در جهت راهنمای سفر، مهمان‌نوازی‌ها و... بهره‌برداری می‌کند (Koo & et al, 2021: 473-474). پس در یک کلام، گزاره بالا نشان می‌دهد که هوش مصنوعی به‌عنوان تکنولوژی جدید قدرت سرمایه‌داری در کنار سایر پنج ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس، شکل زیست-سیاست در امارات را به طرقی که بالا آمد به شکل

سرمایه‌داران تبدیل ساخته و اینچنین ضمن منطبق‌سازی و پیوند امارات با نظام جهانی سرمایه‌داری، به کشور مذکور حالت سرمایه‌داری در خلیج فارس داده است.

نتیجه

در جواب سؤال اصلی تحقیق که پرسیده شد، باید گفت که قوه حاکم (اقتدارگرایی سلطانی) در عربستان و امارات متحده بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۳ با کمک پنج ساز و کار اقتصاد-سیاسی در خلیج فارس مثل بازاریابی و تبعیت از بازار آزاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، احترام به مالکیت خصوصی، حضور شرکت‌های چند ملیتی، ایجاد ساختار طبقاتی سرمایه‌داری و استفاده از تکنولوژی‌های قدرت سرمایه‌داران که تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل در خلیج فارس برای آنان شکل گرفته است، ضمن اتصال خود با نظام جهانی سرمایه‌داری، از طریق تقویت ساز و کارهای پنج‌گانه اقتصاد-سیاسی نامبرده در درون، توانسته‌اند به وضعیت سرمایه‌داری در خلیج فارس برسند. اما در یک نگاه انتقادی سرمایه‌داری شکل گرفته درون این دو کشور در مقایسه با کشورهای نظام جهانی سرمایه‌داری تبدیل به سرمایه‌داری رفاقتی شده و همین امر باعث تلقی این تحقیق از سرمایه‌داری در خلیج فارس با عنوان بحران ساختاری است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۷۷)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: نشر کیهان.
- ۲- بردلی، هوپ و جاستین شک (۱۳۹۹)، خون و نفت، ترجمه رضا اسکندری آذر، تهران: نشر نون.
- ۳- سردار نیا، خلیل‌الله (۱۳۹۹)، «خشونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت ملت‌سازی»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره اول، ۹۴-۱۱۴.
- ۴- فوکو، میشل (۱۳۸۹)، تولد زیست سیاست درس گفتارهای کلژ دو فرانس ۱۹۷۸-۱۹۷۹، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نشر نی.
- ۵- روحی، دهبه (۱۳۹۵)، «خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ میلادی؛ بحران دولت ملی و نظم منطقه‌ای»، فصلنامه دولت پژوهی، ۷۱-۱۰۵.
- ۶- قره‌باغی، ونوس و محمدکاظم کاوه پیش‌قدم (۱۳۹۴)، حقوق اساسی و ساختار سیاسی کشورهای عرب، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عربستان سعودی، بحرین، عمان، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۷- ک میلان، ام جی (۱۳۹۶)، تاریخ خاورمیانه معاصر از جنگ جهانی اول تا بهار عربی، ترجمه سروش آریا، تهران: نشر مخاطب.

۸- میلتون ادواردز، بیورلی (۱۳۹۹)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، مترجم رسول افضلی، نشر علم و ادب.

۹- نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۵)، «شبکه رزمی بحران در خاورمیانه عقلانیت سه‌گانه».

۱۰- هیندس، باری (۱۴۰۲)، گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ترجمه مصطفی یونسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات شیرازه.

منابع غیر فارسی

- 1- Abdulla, Y. (2017). Capital structure in a tax-free economy: evidence from UAE. *International journal of Islamic and Middle Eastern finance and management*, 10(1), 102-116.-Abuzaid, M. M.,
- 2- Aljabre, A. (2012). An exploration of distance learning in Saudi Arabian universities: Current practices and future possibilities. *International Journal of Instructional Technology and Distance Learning*, 9(2), 21-28.
- 3- Al-Qahtani, S., & Albakjaji, M. (2023). THE ROLE OF THE LEGAL FRAMEWORKS IN ATTRACTING FOREIGN INVESTMENTS: THE CASE OF SAUDI ARABIA
- 4- Al-Saggaf, Y. (2004). The effect of online community on offline community in Saudi Arabia. *The electronic journal of information systems in developing countries*, 16(1), 1-16.
- 5- Alshahrani, H. A. (2016). A brief history of the Internet in Saudi Arabia. *TechTrends*, 60(1), 19-20.
- 6- Anthias, F. (2001). The concept of 'social division' and theorizing social stratification: Looking at ethnicity and class. *Sociology*, 35(4), 835-854.
- 7- Audier, S. (2015). 4. neoliberalism through Foucault's eyes. *History and Theory*, 54(3), 404-418.
- 8- Elimam, H. (2017). Determinants of foreign direct investment in Saudi Arabia: A review. *International Journal of Economics and Finance*, 9(7), 222-227.
- 9- Elshami, W., & Fadden, S. M. (2022). Integration of artificial intelligence into nursing practice. *Health and Technology*, 12(6), 1109-1115.
- 10- Facchini, F., Jaeck, L., & Bouhaddioui, C. (2021). Culture and entrepreneurship in the United Arab Emirates. *Journal of the Knowledge Economy*, 12, 1245-1269.
- 11- Farzin, Y. H. (1993). Importance of foreign investment for the long run economic development of the United Arab Emirates. *World Development*, 21(4), 509-521
- 12- Ferrero, I., Michael Hoffman, W., & McNulty, R. E. (2014). Must Milton Friedman embrace stakeholder theory? *Business and Society Review*, 119(1), 37-59.
- 13- Fulton, J. (2020). Situating Saudi Arabia in China's belt and road initiative. *Asian Politics & Policy*, 12(3), 362-383.
- 14- Ghoshal, S., & Bartlett, C. A. (1990). The multinational corporation as an intern organizational network. *Academy of management review*, 15(4), 603-626.
- 15- Ghulam, F. (2012). Accession to the World Trade Organization: factors shaping the case of Saudi Arabia's accession (1985-2005) (Doctoral dissertation, London School of Economics and Political Science
- 16- Gray, M., Dean, M., Agllias, K., Howard, A., & Schubert, L. (2015). Perspectives on neoliberalism for human service professionals. *Social Service Review*, 89(2), 368-392.
- 17- Hammad, N. M., Ahmad, S. Z., & Papa Stathopoulos, A. (2017). Evaluating perceptions of residents towards impacts of tourism development in Emirates of Abu Dhabi, United Arab Emirates. *Tourism Review*, 72(4), 448-461.

- 18- Hanieh, A. (2011). Capitalism and class in the Gulf Arab states (p. 60). New York: Palgrave Macmillan.
- 19- Hardman, A. H. (2022). Quietly Encouraging Saudi Arabia's Transient Economy. Pepperdine Policy Review, 14(1), 6.
- 20- Jaffe, A. M., & Ellass, J. (2007). Saudi Aramco: national flagship with global responsibilities. The Changing Role of National Oil Companies in International Energy Markets.
- 21- Koo, C., Xiang, Z., Gretzel, U., & Sigala, M. (2021). Artificial intelligence (AI) and robotics in travel, hospitality and leisure. Electronic Markets, 31, 473-476.
- 22- Krzymowski, A. (2020). Sustainable development goals in Arab region-United Arab Emirates' case study. Problem Ekorozwoju, 15(1).
- 23- Kumaraswamy, P. R. (2006). Who am I? The identity crisis in the Middle East. Middle East Review of International Affairs, 10(1), 63-73.
- 24- Menz, G., & Soederberg, S. (2006). Internalizing globalization: The rise of neoliberalism and the decline of national varieties of capitalism. Palgrave.
- 25- Modarress, B., Ansari, A., & Thies, E. (2014). The impact of technology transfers through foreign direct investment in developing nations: a case study in the United Arab Emirates. International Journal of Economics and Finance, 6, 108.
- 26- Noordin, N. A., Hussainey, K., & Hayek, A. F. (2022). The use of artificial intelligence and audit quality: An analysis from the perspectives of external auditors in the UAE. Journal of Risk and Financial Management, 15(8), 339.
- 27- Nyarko, Y. (2010). The United Arab Emirates: some lessons in economic development (No. 2010/11). WIDER Working Paper.
- 28- Rahman, R., & Salam, M. A. (2021). Policy discourses: shifting the burden of healthcare from the state to the market in the kingdom of Saudi Arabia. INQUIRY: The Journal of Health Care Organization, Provision, and Financing, 58, 00469580211017655.
- 29- Rice, G. (2004). Doing business in Saudi Arabia. Thunderbird international business review, 46(1), 59-84.
- 30- Richter, C., & Kozman, C. (2021). Arab media systems (p. 416). Open Book Publishers.
- 31- Saberi, D., Paris, C. M., & Marochi, B. (2018). Soft power and place branding in the United Arab Emirates: Examples of the tourism and film industries. International Journal of Diplomacy and Economy, 4(1), 44-58.
- 32- Shamout, F. E., & Ali, D. A. (2021). The strategic pursuit of artificial intelligence in the United Arab Emirates. Communications of the ACM, 64(4), 57-58.
- 33- Shani, G. (2008). Toward a post-Western IR: The Umma, Khalsa Panth, and critical international re Rengger, N., & Thirkell-White, B. (2007). Still critical after all these years? The past, present and future of Critical Theory in International Relations. Review of International Studies, 33(S1), 3-24.
- 34- Shayah, M. H., & Qifeng, Y. (2015). Development of free zones in United Arab Emirates. International Review of Research in Emerging Markets and the Global Economy (IRREM), 1(2), 286-294.
- 35- Silcock, E. (2020). Crony capitalism in the middle east: business and politics from liberalization to the Arab Spring: by Ishac Diwan, Adeel Malik and Izak Atiyas, Oxford, Oxford University Press, 2019, 464 pp., £ 85.00 (hardcover), ISBN: 9780198799870.
- 36- Sim, L. C., & Fulton, J. (2021). Implications of a regional order in flux: Chinese and Russian relations with the United Arab Emirates. Cambridge Review of International Affairs, 34(4), 551-569.
- 37- Woertz, E. (2020). COVID-19 in the Middle East and North Africa: Reactions, vulnerabilities, prospects.

- 38- Xu, L. (2022). Analyze of Saudi Arabia international trade policy under the perspective of neo-liberalism theory. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 1, 140-146.
- 39- Younies, H., & Al-Tawil, T. N. E. (2020). Effect of cybercrime laws on protecting citizens and businesses in the United Arab Emirates (UAE). *Journal of Financial Crime*, 27(4), 1089-1105.

منابع اینترنتی

- 1- <https://www.wto.org>
- 2- <https://www.heritage.org/index/country/saudiarabia>
- 3- <https://www.theguardian.com>
- 4- <https://www.heritage.org/index/country/saudiarabia>
- 5- <https://data.worldbank.org/indicator/CM.MKT.LDOM.NO?locations=AE>

